

ارزشیابی توصیفی بستری برای پرورش خلاقیت

زهرا حصاربانی

کارشناس ارزشیابی دفتر آموزش و پرورش ابتدایی

از ویژگی‌های مهم انسان، قدرت اندیشه او از عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسانی، تفکر خلاق است؛ قدرتی که تاکنون با آن تصمیم گرفته و توانسته است به حل مشکلات بپردازد و به رشد و تعالی نایل شود.

دنیای امروز نیازمند زنان و مردان خلاق است که به رشد و ارتقا در تمام زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برسند. به همین دلیل آموزش صحیح کودکان، در جهت رشد خلاقیت

آنان، باید مورد توجه نظام‌های آموزش و پرورش جهان قرار بگیرد. «در حال حاضر در کشورهای توسعه یافته شکوفایی و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، عالی‌ترین و مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش آن‌ها به شمار می‌رود. در این کشورها اهمیت پرورش خلاقیت به حدی است که در همه مقاطع مختلف تحصیلی دانش‌آموزان، از دوره پیش از دبستان تا سطح دانشگاه، واحدها و مواد درسی ویژه‌ای به این موضوع اختصاص داده شده است.» (سلیمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۰) بدیهی است برای بروز خلاقیت، باید عناصر و عوامل گوناگون در کنار هم قرار گیرند تا این امر به شکل مطلوب صورت پذیرد. از جمله این عوامل و عناصر، ایجاد فضای مناسب و چگونگی روش یادگیری و یاددهی است. تحقیقات نشان داده است دانش‌آموزانی که در فضای آزاد و به دور از استرس به یادگیری پرداخته‌اند، خلاق‌تر عمل کرده‌اند و برعکس دانش‌آموزانی که یادگیری به شکل سنتی را تجربه کرده‌اند، به دلیل این که در فضایی پر از اضطراب و تنش، که محصول

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی

شیوه‌های غلط ارزشیابی تحصیلی است، قرار داشته‌اند، انگیزه‌های خلاقیت را از دست داده‌اند. به همین سبب، نیاز به تغییر در روش یاددهی - یادگیری و هم چنین تغییر در چگونگی ارزشیابی از دانش‌آموزان، به خصوص در مقطع ابتدایی، که سال‌های آغاز شکل‌گیری و رشد خلاقیت در کودک است، احساس شد و براساس همین نیاز، طرح ارزشیابی توصیفی پیش‌نهاد گردید تا با ایجاد شرایط مساعد و ارائه روش‌های نو و متنوع، دانش‌آموزان را در جهت یادگیری پایدارتر و خلاق‌تر، راهنمایی کند. در این مقاله سعی شده است ضمن تعریف خلاقیت، به عناصر و عواملی که باعث بروز خلاقیت می‌شود، اشاره گردد و سپس به ارزشیابی توصیفی و فضایی که اجرای این طرح برای بروز خلاقیت ایجاد می‌کند، پرداخته شود.

خلاقیت چیست؟

بیش‌تر اوقات، مردم کلمه خلاق را مترادف کلمه پر استعداد و با هوش می‌دانند و تصور آنان این است که کودک با استعداد و با هوش، لزوماً خلاق است، یا این که کودک خلاق از هوش بالایی نیز برخوردار می‌باشد. هر چند کودکان با هوش، استعداد بالقوهٔ بیش‌تری دارند تا در راه‌های خلاق به کار ببرند، اما خلاقیت همان استعداد و هوش نیست. خلاقیت فرایندی است که بر مبنای استعداد، آموزش و تفکر استوار است. «خلاقیت، گستره وسیعی از مسائل کوچک روزانه تا پیشرفت‌های مهم تاریخی در علوم، ادبیات و هنر را در بر می‌گیرد و بر خلاف نظر عمومی، هر فرد با توانایی‌های شناختی معمولی، با مقداری تلاش می‌تواند از خود خلاقیت به خرج دهد. کودکان در سنین مختلف، انواع متفاوتی از رفتارهای خلاق را نشان می‌دهند.» (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۶۲)

چگونه می‌توانیم خلاقیت را در کودکان تشخیص دهیم؟

هر انسان طبیعی می‌تواند کاری خلاق در زمینه‌ای انجام دهد. ما اگر بخواهیم بزرگسالانی خلاق داشته باشیم، باید به کودکان خلاق توجه کنیم. به همین دلیل باید به پرورش مهارت‌ها و انگیزه خلاقیت پردازیم. فضاهایی که کودکان در آن خلاقیت خود را بروز می‌دهند و میزان خلاقیتی که از خود نشان می‌دهند، بستگی به آموزش آن‌ها، تجربه و سطح پرورش فکری و جسمی آنان دارد. هر عملی که کودک انجام می‌دهد، می‌تواند خلاق باشد، به شرطی که دو اصل در آن

رعایت شده باشد:

۱- با آن چه قبلاً انجام داده است، متفاوت باشد.

۲- صحیح، جذاب و معنی‌دار باشد.

برای آن که بتوانیم ارزیابی نسبتاً مناسب از خلاقیت کودک خود داشته باشیم، باید هر زمان که با کودکمان هستیم، خلاقیت را در دستور کار ذهنی خود قرار دهیم. البته قضاوت در مورد خلاقیت، کار آسانی نیست؛ زیرا نمی‌توان تشخیص داد مطالبی که کودک بر زبان می‌آورد و عملی که انجام می‌دهد، واقعاً برای او مفهوم یا تازگی داشته باشد. آزمون‌هایی نیز برای تشخیص خلاقیت انجام می‌شود. این آزمون‌ها معمولاً سؤالاتی را مطرح می‌کنند که دانش‌آموز مجبور می‌شود یک یا چند پاسخ فرضی به آن‌ها بدهد. برای مثال از دانش‌آموز پرسیده می‌شود: «چند کاربرد برای یک آجر (یا یک گیره کاغذ یا چند شیء معمولی دیگر) پیش‌نهاد می‌کنید؟ چگونه می‌توان این اسباب بازی را بهتر کرد؟ چه نوع پایانی می‌توانید برای این داستان بیندیشید؟ از پاسخ‌هایی که کودکان به این نوع سؤالات می‌دهند، طبق ضوابطی نتیجه‌گیری می‌شود، ضوابطی مانند تعداد پاسخ‌هایی که کودک به یک سؤال می‌دهد، غیر معمول بودن پاسخ‌های کودک در مقایسه با



که به آن ها کمک کنیم تا استعدادها، مهارت‌ها و علایق آن‌ها به یکدیگر مرتبط شوند. درک و شناخت اصل انگیزه درونی خلاقیت مرحله‌ای بسیار مهم برای تشویق خلاقیت در کودکان است. باید زمینه‌ایجاد خلاقیت، یعنی لذت و رضایت خاطر را در کودکان فراهم کنیم. یادآوری شایستگی‌ها و ایجاد استقلال برای تصمیم‌گیری در کودکان، باعث بروز خلاقیت می‌شود. کودکان از فعالیت‌هایی که احساس مسلط بودن به آن دارند، بیش تر لذت می‌برند و اگر احساس کنند که کار متعلق به آن‌هاست، بیش تر برای آن وقت می‌گذارند.

تحقیقات نشان داده است دانش‌آموزانی که استقلال بیش تری در تصمیم‌گیری دارند و به آنان حق انتخاب داده می‌شود، از انگیزه درونی بیش تری برای انجام کار برخوردارند و پیشرفت خلاقیت در آنان قابل ملاحظه است.

محیط مدرسه و خانه چگونه می‌تواند خلاقیت کودکان را رشد دهد یا آن را از بین ببرد؟

«بررسی اجزای خلاقیت روشن می‌کند که خلاقیت یک ویژگی ثابت شخصیتی نیست که بدون هیچ تغییر و تحول

پاسخ‌هایی که سایر کودکان می‌دهند و این که کودک تا چه حد درباره هر پاسخ توضیح می‌دهد.

این نکته را نیز باید دانست که آزمون‌های خلاقیت تا حدودی می‌تواند توانایی‌های ذهنی مربوط به خلاقیت را اندازه‌گیری کند، زیرا توانایی‌هایی مانند انگیزه، که نقشی بسیار مهم در تفکر خلاق دارد، سنجیده نمی‌شود. از طرف دیگر، آزمون‌های خلاقیت، چون معمولاً در شرایطی نظیر شرایط امتحانات در مدارس انجام می‌شود، به احتمال زیاد با اضطراب همراه خواهد بود. به همین دلیل شاید دانش‌آموزان نتوانند به راحتی به آنان پاسخ دهند و افکار منعطفی داشته باشند؛ لذا علاوه بر آزمون، باید از مشاهدات دقیق و آگاهانه صورت گرفته بر روی رفتار کودک، سود جست.

برای پرورش و حفظ خلاقیت در کودکان چه کارهایی باید انجام داد؟

مهم‌ترین مسئله بعد از تشخیص خلاقیت در کودکان، حفظ و چگونگی پرورش آن است. باید انگیزه ذاتی خلاقیت، پرورش پیدا کند. بهترین روش برای حفظ خلاقیت در کودکان این است

در وجود انسان نهفته باشد، بلکه از جمله مواردی است که کاملاً تحت تأثیر عوامل یا موانعی تقویت یا تضعیف و حتی نابود می‌شود. بعضی شرایط، زمینه‌های ظهور و گسترش خلاقیت را فراهم می‌آورند، در حالی که بعضی موقعیت‌ها ریشه‌های خلاقیت را در وجود آدمی خشک می‌کند.» (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۶۳)

آمابلی و همکارانش (۱۹۸۸) در مصاحبه‌هایی که با ۱۲۰ دانشمند در ۲۰ رشته مختلف داشتند به این نتیجه رسیدند که عوامل محیطی در رشد خلاقیت برتری دارند. (حسینی، ۱۳۶۱) «شور و عشق از آسیب‌پذیری مصون نیست. حتی کودکانی که دارای انگیزه‌های بسیار قوی‌اند، ممکن است در نتیجه محیط منع‌کننده به شدت تضعیف شوند و در نتیجه خلاقیت آن‌ها از بین برود. چنین محیطی در کجا وجود دارد؟ آیا نظام‌های متداول در مدارس سنتی سخت‌گیر و محیط محافظه‌کارانه‌خانه، مقصر به حساب نمی‌آیند؟ حتی آن‌هایی که کاملاً دارای تمایلات خوب‌اند می‌توانند سهواً وضعیتی به وجود آورند که برای سلامت خلاقیت کودکان مضر باشد.» (آمابلی، ترجمه قاسم‌زاده و عظیمی، ۱۳۷۵، ص ۸۵)

در بسیاری از خانواده‌ها، والدین، کودکان خود را مجبور به یادگیری می‌کنند. متأسفانه این امر نه در خانواده، بلکه در محیط‌های آموزشی، یعنی مدارس نیز کاملاً مصداق دارد. گاه

تحقیقات نشان داده است

دانش‌آموزانی که استقلال

بیش‌تری در تصمیم‌گیری دارند و

به آنان حق انتخاب داده

می‌شود از انگیزه درونی

بیش‌تری برای انجام کار

در خور دارند و پیشرفت خلاقیت

شورآنان قابل ملاحظه است.

شرایط موجود در مدرسه به گونه‌ای است که نه تنها به پرورش خلاقیت کمک نمی‌کند، بلکه این موهبت الهی را سرکوب می‌نماید. (کریمی، ۱۳۸۴، ص ۲۶) مدیران و معلمان ما با این نیت خیرخواهانه که قرار است استعدادها بالقوه دانش‌آموزان کشف شود، آن‌ها را مجبور می‌کنند تا مطالبی را که هدف از یادگیری آن را نیز نمی‌دانند، یاد بگیرند. البته همیشه تنبیه و تهدید از طریق اجبار صورت نمی‌گیرد؛ گاهی اوقات پاداش‌های بی‌مورد نیز حکم تنبیه و اجبار را دارد.

بزرگ‌ترین مانع برای رشد خلاقیت، ارزیابی از آن است. این ارزیابی چه مثبت و چه منفی، می‌تواند کودک را به سمت خلاقیت کم‌تر هدایت کند. آزمایش‌ها نشان داده است که حتی احساس مشاهده شدن در حین انجام کار، می‌تواند تأثیر منفی بر روی خلاقیت بگذارد.

«عامل مهم دیگر برای از بین بردن خلاقیت، پاداش است. اکثر مردم این تصور را دارند که پاداش باعث بهبود عملکرد می‌شود، اما همیشه این طور نیست. استفاده از مشوق‌های بیرونی باعث می‌شود میل و انگیزه‌های درونی و انگیزه‌ها و محرک‌هایی که موجب خلاقیت و اعتماد به نفس می‌شود، از بین برود.» (صاحب‌نظران، اعتقاد دارند که پاداش، خصوصاً در مواردی که به خوبی استفاده نشود، انگیزه‌های درونی افراد را، به ویژه در انجام فعالیت‌های بدیع و خلاق، از بین می‌برد.) (کریمی، ۱۳۸۴، ص ۳۰) استفاده مکرر از پاداش باعث می‌شود که مثلاً کودکان از ورزشی که پیروزی به همراه نداشته باشد، لذت نبرند یا از درس خواندنی که به همراه دریافت نمره خوب نباشد، و به‌طور کلی از انجام کاری که تعریف دیگران را به دنبال نداشته باشد، احساس رضایت نکنند. با پاداش‌های بیرونی، عشق به آموختن و انگیزه‌های خلاقیت را در دانش‌آموزان از بین می‌بریم. از سوی دیگر، اگر این پاداش‌ها قطع شود، ممکن است احساس تنبیه شدن را در کودک به وجود بیاورد.

تعریف و ستایش نیزگاهی اوقات آثاری مخرب بر دانش‌آموزان به جا می‌گذارد. کودکانی که به طور مداوم از طرف خانواده، یا معلمان مورد تعریف و تشویق قرار می‌گیرند، یاد می‌گیرند که فقط کارهایی را انجام دهند که مورد توجه والدین یا معلمان آن‌هاست. اگرچه این رفتار مورد تأیید بزرگ‌ترهاست، اما این قبیل دانش‌آموزان در آینده از خلاقیت کم‌تری برخوردار خواهند شد. آن‌ها یاد می‌گیرند که در زندگی آینده به جای خلاقیت و ابتکار، خود را با شرایط سازگار کنند و تنها به دنبال

رسیده بود.» الیوت با دل‌تنگی پاسخ داد: «باید بگویم خیلی زود بود. جایزه نوبل به منزله بلیتی برای تشییع جنازه انسان است. هیچ کس پس از دریافت این جایزه نتوانسته کاری انجام دهد.» الیوت طی آشنایی با سایر برندگان جایزه، متقاعد شد که این پاداش بزرگ، به طریقی، به صورت دلیل زنده بودن و دلیل نوشتن برای برندگان جایزه در آمده است. به عقیده او دریافت جایزه، بلافاصله محرک شخصی و انگیزه درونی برای نوشتن را از میان می‌برد.

اموری باشند که تعریف و ستایش برای آن‌ها به ارمغان بیاورد. «دو تن از نوابغ ادبی، نمونه‌های بارزی از نیروی منفی پاداش را نشان می‌دهند. یکی از آن‌ها تی. اس. الیوت است که پس از اطلاع از بردن جایزه نوبل دچار افسردگی شدید شد. مدت کوتاهی پس از اعلام برندگان جایزه، الیوت یکی از دوستانش را در خیابان ملاقات کرد. دوست او دستش را به سوی الیوت دراز کرد و گفت: «دوست عزیز تبریک می‌گویم که برنده جایزه نوبل شده‌ای. فکر می‌کنم که دیگر موقع آن



تجلی آن به صورت‌های مختلف، مانند: تقلب، کپی کردن، نوشتن مطالب بر روی دسته‌صندلی قبل از شروع امتحان، درس خواندن فقط در شب امتحان و... ظهور می‌کند. محدودیت در انتخاب نیز باعث نابودی خلاقیت می‌شود. همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، آزادی در انتخاب باعث رشد خلاقیت می‌شود و بر عکس آن نیز صادق است. یعنی محدود شدن انتخاب و ایجاد فشار برای یادگیری، خلاقیت را نابود می‌کند. فشارهای خانواده و مدرسه برای حفظ کردن مطالب و یادگیری آن‌ها، بر کودکی که سطح بالایی از انگیزه‌های درونی را ندارد، آثار مخربی بر جای خواهد گذاشت و تأثیرات منفی آن به شکل فرار از مدرسه، ترک تحصیل و نخواندن درس و حتی خودکشی، ظهور می‌کند. فشارهای خارجی، بدترین عامل برای سرکوب خلاقیت است.

برگسترین مانع برای رشد خلاقیت، ارزیابی آن است. این ارزیابی جنبه مثبت و چه منفی، می‌تواند کودک را به سمت خلاقیت کمتر هدایت کند. آزمایش‌ها نشان داده است که حتی احساس مشاهده شدن در همین انجام کار، می‌تواند تأثیر منفی بر روی خلاقیت بگذارد.

داستایوسکی، داستان نویسی روسی نیز به خاطر پاداش، دچار فلج مشابهی شد. در مورد او، در مقابل نوشتن یک داستان، محرک مادی قرار داشت. در نامه‌ای که او به یک دوست نوشت، چنین شکایت کرد: «من کار کردم و زجر کشیدم. آیا معنی بی تحرک شدن را می‌دانی؟ خدا را شکر نمی‌دانی. می‌دانم که تو هرگز طبق سفارش و طبق معیار نوشته‌ای و هرگز آن زجر جهنمی را تجربه نکرده‌ای. دریافت آن همه پول از روسی ویستنیک به عنوان پیش پرداخت.» (عظیمی، ۱۳۷۵، ص ۸۵)

از دیگر موانع رشد خلاقیت، رقابت است. رقابت مجموعه‌ای از ارزیابی و پاداش است. «غالباً رقابت زمانی به وجود می‌آید که مردم احساس کنند کار آن‌ها در مقابل کار دیگران مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و به بهترین آن‌ها پاداش تعلق می‌گیرد.» (همان)

رقابت، امری است که ما هر روز در مدارسمان شاهد آنیم. میدانی را آماده می‌کنیم و گروهی از دانش‌آموزان را انتخاب کرده، وادارشان می‌کنیم برای به دست آوردن جایزه و پاداش طلایی، حریفان قدر خود را از میدان بیرون بیندازند. آشکارترین شکل رقابت در نظام آموزشی، برگزاری امتحان است و ملاحظه شده که دانش‌آموزان برای کسب نمره بالاتر و پیروزی بر حریف یا حریفان، به تلاش‌هایی دست می‌زنند که

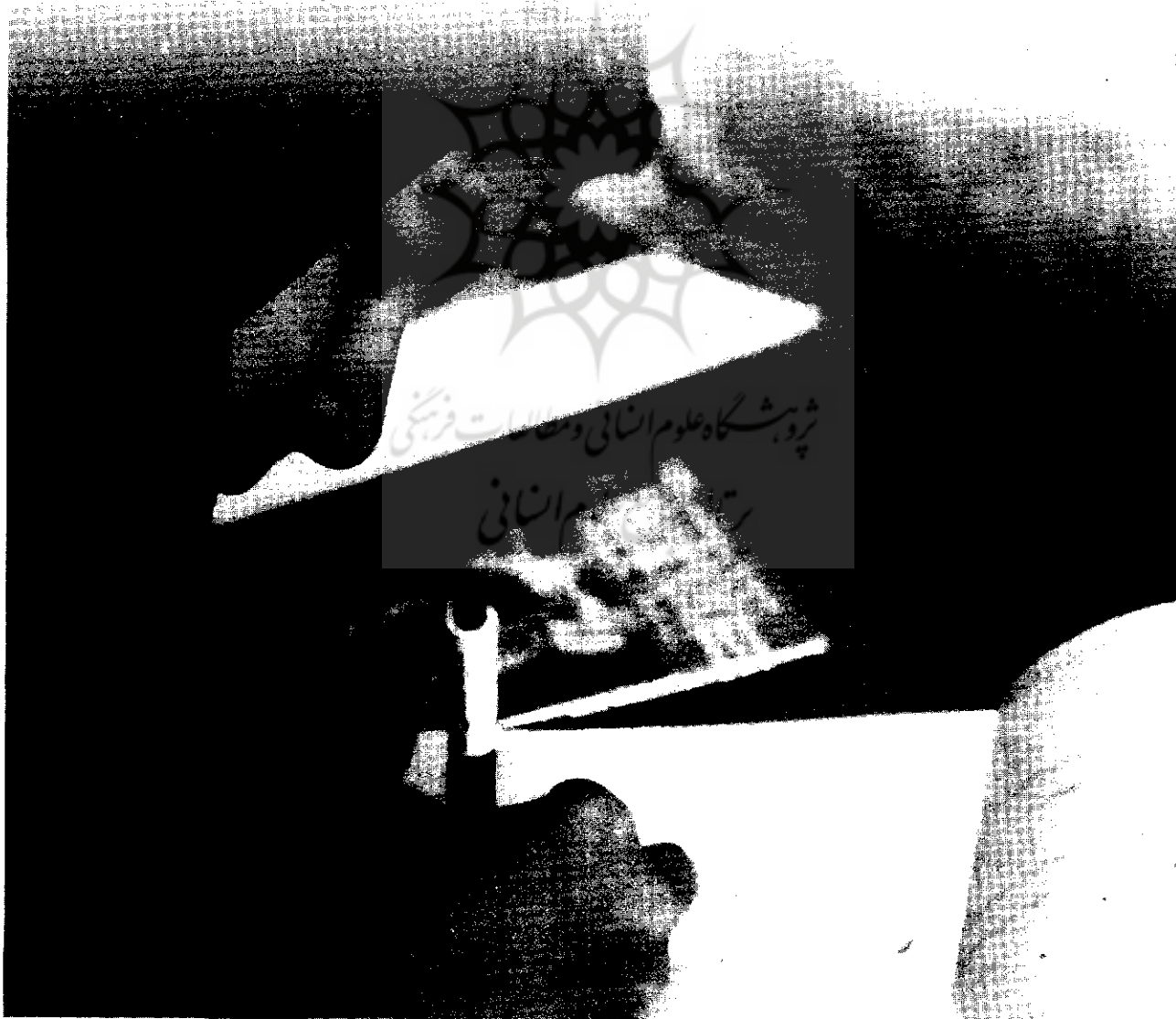


ارزشیابی توصیفی چیست؟

«ارزشیابی توصیفی الگویی جدید است که تلاش می‌کند زمینه‌ای فراهم سازد تا دانش‌آموزان در کلاس درس با شادابی و نشاط، بهتر، بیش‌تر و عمیق‌تر مطالب درسی را یاد بگیرند. بنابراین به جای توجه افراطی به آزمون‌های پایانی و نمره، روند یاددهی و یادگیری را در طول سال تحصیلی مورد توجه قرار می‌دهد و در راستای این توجه، رشد عاطفی و اجتماعی و حتی جسمانی دانش‌آموزان را نیز در نظر می‌گیرد. این طرح با هدف بهبود کیفیت یادگیری و یاددهی و افزایش بهداشت روانی محیط یاددهی و یادگیری، تغییرات اساسی در نظام ارزشیابی فعلی پیش‌نهاد کرده است، از جمله تغییر مقیاس فاصله‌ای (۲۰-۰) به مقیاس ترتیبی، تغییر ساختار کارنامه و تبدیل آن به کارنامه توصیفی، تحت عنوان گزارش پیشرفت تحصیلی، تغییر و تنوع بخشی به ابزارها و روش‌های

عده زیادی از والدین، فرزندان خود را به سمتی هدایت می‌کنند که فکر می‌کنند آنان در آن زمینه موفق می‌شوند، هر چند که آن مسیر مورد علاقه کودکانشان نباشد. البته شاید کودک به موفقیت هم برسد، اما به رضایت نخواهد رسید و واقعاً خلاق نخواهد شد. معلمان و مربیان ما نیز با ارزیابی دائمی خود باعث کاهش انگیزه در دانش‌آموزان می‌شوند؛ زیرا نظام نمره دهی در مدارس ما باعث می‌شود که کودکانمان به جای توجه به افزایش معلومات و بهبود مهارت‌هایشان، حرص و ولع برای کسب نمره داشته باشند.

اگر خانواده و مدرسه نتوانند در شناسایی و رشد خلاقیت دانش‌آموز موفق شوند و با ایجاد مانع (ارزیابی، پاداش، رقابت و محدودیت در انتخاب) سبب از بین رفتن آن شوند، ما باید شاهد دانش‌آموزانی افسرده و بی‌انگیزه برای خلاقیت باشیم؛ همان‌گونه که تاکنون شاهد بوده‌ایم!



جمع‌آوری اطلاعات از وضعیت تحصیلی دانش‌آموز، مانند: پوشه‌کار، آزمون‌های عملکردی، فهرست واریسی^۲ و برگ ثبت مشاهدات، تغییر در رویکرد کلی ارزشیابی از ارزشیابی پایانی به ارزشیابی تکوینی و فرایندی، تغییر در مرجع تصمیم‌گیرنده در ارتقای دانش‌آموزان. در این طرح به جای امتحانات پایانی، معلم و شورای مدرسه، مرجع صاحب صلاحیت تصمیم‌گیری تعیین شده‌اند.»

ارزشیابی توصیفی چگونه می‌تواند در بروز و رشد خلاقیت دانش‌آموزان مؤثر واقع شود؟

«از سال‌ها پیش در کشور ما در حوزه خلاقیت، مطالب و مباحث اندکی مطرح بوده است. هم‌چنین یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش ما در خصوص شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان طرح‌ریزی شده است. اما به رغم اهمیت این موضوع، به دلایل مختلف، تاکنون کم‌تر به پژوهش و مطالعه بنیادی و برنامه‌ریزی برای پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، پرداخته شده است و این در حالی است که به شدت به نسلی خلاق و نوآور نیازمند بوده‌هستیم.» (سلیمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱)

برای ایجاد خلاقیت؛ هوش، استعداد، مهارت و تلاش لازم است، اما کافی نیست. انگیزه درونی نیز باید به آن‌ها اضافه شود تا خلاقیت شکل بگیرد. ما باید برای کودکانمان فرصت‌هایی به وجود بیاوریم و مهارت‌هایی را به آن‌ها آموزش دهیم تا استعدادهایشان را گسترش دهند و این محقق نخواهد شد مگر این که بین مهارت‌ها و علایق آن‌ها وجه مشترکی بیابیم و آن‌ها را رشد دهیم.

در روش آموزش سنتی که مبتنی بر یادگیری مطالب بدون تفکر و توجه به معنی آن است، دانش‌آموزان به گونه‌ای تربیت می‌شوند که بدون توجه به چگونگی ارتباط مطالب و بدون تفکر برای به دست آوردن نمره خوب، آن‌ها را می‌آموزند. اما این نوع آموزش و یادگیری برای انجام یک کار خلاق واقعاً بی‌فایده است. «شیوه‌های سنتی با ساختار انعطاف‌ناپذیر و محدودیت زیادی که برای دانش‌آموزان قائل می‌شوند، هم‌چنین با تکیه بر انتقال معلومات و محفوظات، امکان هرگونه رشد فکری، ابتکار و اکتشاف را از یادگیرنده سلب می‌کنند، به‌گونه‌ای که دانش‌آموز نمی‌تواند بین آموخته‌هایش و مسائل بیرونی ارتباط برقرار کند. در حالی که سبک آموزش و پرورش باز یا روش فعال تدریس با دادن آزادی به دانش‌آموز و عدم

نظارت دائمی بر کارها و برنامه‌ها، به او فرصت می‌دهد تا به جست‌وجو و کشف مسائل بپردازد. بدین ترتیب دانش‌آموز خود در فرایند یادگیری دخیل می‌شود و انگیزه‌های درونی و به دنبال آن امکان بروز خلاقیت در او افزایش می‌یابد.» (سلیمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱)

این مهم در طرح ارزشیابی توصیفی مورد توجه و عنایت خاص قرار گرفته است. معلمان این طرح با ارزشیابی دانش‌آموز به شکل نامحسوس، فضایی باز و فعال برای رشد خلاقیت ایجاد کرده‌اند. ارزشیابی توصیفی سعی کرده با تغییر در ساختار نظام ارزشیابی، آن را به قدری انعطاف‌پذیر نماید تا با شیوه‌ها و علایق یادگیری متفاوت، انطباق پیدا کند. در کلاس ارزشیابی توصیفی، کودکان در یادگیری فعال‌اند و احساس غرور و مالکیت نسبت به کلاس درس خود دارند. آن‌ها در این کلاس آزادند تا انتخاب کنند. راهنمایی می‌شوند و اختیار دارند تا در محیط کلاس آن گونه که دوست دارند، یاد بگیرند.

معلمان طرح ارزشیابی توصیفی با ایجاد جوی صمیمی و مطمئن در کلاس درس، فضایی مساعد را برای رشد خلاقیت دانش‌آموزان فراهم کرده‌اند تا آن‌ها بتوانند با آسودگی در کلاس به اظهار نظر بپردازند و بدون نگرانی هر سؤالی را که در ذهن دارند، مطرح کنند. آن‌ها یاد گرفته‌اند که چگونه مهارت‌های

یادگیری را در قلمرو خاص به کودکان بیاموزند. آن‌ها روش تفکر درباره مسائل و قوانین علمی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند. «تحقیقات نشان داده است روابط صمیمانه و توأم با علاقه و احترام، نقش مؤثری در خلاقیت دانش‌آموز دارد.» (سلیمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴).

در ارزشیابی توصیفی، یادگیری، مهم و تفریح است. کودکان در کلاس تشویق می‌شوند که علائق، تجارب و ایده‌های خود را به کلاس درس بیاورند و اجازه دارند درباره هدف‌های کار روزانه خود با معلمان بحث کنند. به آن‌ها استقلال کاری داده می‌شود تا تصمیم بگیرند. آن‌ها احساس آرامش می‌کنند و تنش‌ها و فشارهای کسب نمره را ندارند. در تحقیقی که اخیراً توسط سرکار خانم حقیقی، دانشجوی کارشناسی ارشد صورت پذیرفته، نشان داده شده است که محیط‌های خالی از استرس، به خصوص استرس امتحان، شرایط مساعدتری برای بروز خلاقیت ایجاد می‌کنند. هم‌چنین در این تحقیق از طریق آزمون ۳۵ سؤالی، پیشرفت تحصیلی در سه سطح دانش، ادراک، کاربرد و قوه خلاقه (نوآوری - سیالی - اصلت) و هم‌چنین از طریق مشاهده کنش متقابل در کلاس‌های درسی، سنجیده شد و تفاوت معنی‌داری بین گروه آزمایشی (کلاس مجری طرح ارزشیابی توصیفی) و گروه کنترل (کلاس مجری ارزشیابی سنتی) مشاهده گردید. (حقیقی، ۱۳۸۳)

«آمالی (۱۹۸۹) معتقد است معلمان با بیان آزاد احساس خود، مانند عشق، شادی و کنجکاوی درباره امور می‌توانند الگویی مناسب برای کودکان باشند. در کلاس‌های ارزشیابی توصیفی، معلمان به جای «من»، «ما» می‌گویند. آن‌ها منبع اطلاعات و هدایت‌اند. در این کلاس‌ها، همیشه «همکاری» بر «رقابت» ارجحیت دارد. زمانی که راه‌های مختلف انجام یک فعالیت را مورد توجه قرار می‌دهند، اجازه می‌دهند که دانش‌آموزان با صدای بلند فکر کردن آن‌ها را بشنوند و هدایت شوند. آن‌ها نه تنها از ایجاد هرگونه زمینه رقابت در کلاس درس خودداری می‌کنند، بلکه جوی در کلاس ایجاد می‌کنند که دانش‌آموزان در انجام وظایف به همدیگر کمک کنند، در ایده‌ها با هم سهیم شوند و به نتیجه نهایی کار افتخار کنند و این، یعنی: خلاقیت.

فهرست منابع

- آمالی، ترزا (۱۳۷۵): شکوفایی خلاقیت کودکان، ترجمه قاسم‌زاده و عظیمی، چاپ اول، تهران، نشر دنیای نو.
- احمدی، غلامعلی (۱۳۸۳): جایگاه و نقش ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در آموزش و یادگیری فرایندمدار، مجموعه مقالات اولین همایش ارزشیابی تحصیلی، چاپ اول، تهران، انتشارات تزکیه.
- پیر خانی، علیرضا (۱۳۸۳): نگاهی به سنجش خلاقیت دانش‌آموزان از منظر تحولی و گونه‌ای، مجموعه مقالات اولین همایش ارزشیابی تحصیلی، چاپ اول، تهران، انتشارات تزکیه.
- حسنی، محمد و احمدی (۱۳۸۴): ارزشیابی توصیفی، الگویی نو در ارزشیابی تحصیلی، چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسه.
- حسنی، محمد (۱۳۸۴): راهنمای ارزشیابی توصیفی، چاپ اول، تهران، نشر آثار معاصر.
- حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۱): ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، چاپ دوم، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.
- حقیقی، فهیمه‌السادات (۱۳۸۳): نقش ارزشیابی مستمر در تعمیق یادگیری دانش‌آموزان پایه دوم مقطع ابتدایی شهر تهران، در سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران، منتشر نشده.
- سلیمانی، افشین (۱۳۸۳): کلاس خلاقیت، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- کریمی، علی (۱۳۸۴): پرورش خلاقیت، چاپ اول، تهران، انتشارات رسانه تخصصی.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- بعد از مصوبات ۶۷۹ و ۶۷۴ شورای عالی آموزش و پرورش مبنی بر تهیه طرحی برای تغییر نظام ارزشیابی تحصیلی پایه‌های اول تا سوم ابتدایی، طرحی تحت عنوان ارزشیابی توصیفی تهیه و بعد از تأیید شورای عالی به اجرای آزمایشی گذاشته شد. اهداف اساسی طرح به این شرح است: بهبود کیفیت فرایند یاددهی، یادگیری، فراهم کردن زمینه مناسب برای حذف فرهنگ بیست گزایی، تأکید بر اهداف آموزش و پرورش به جای تأکید بر محتوای کتاب‌ها، فراهم نمودن زمینه مناسب برای حذف حاکمیت مطلق امتحانات پایانی در تعیین سرنوشت تحصیلی دانش‌آموزان و افزایش بهداشت روانی محیط یاددهی و یادگیری. در راستای تحقق این اهداف، ارزشیابی توصیفی در چند محور در نظام ارزشیابی تغییر و تحول ایجاد نموده است. البته این تغییرات با تحولات جهانی در این حوزه، هم‌زمان و هم‌سوست. (حسینی، محمد، ۱۳۸۱)